

بررسی و تحلیل سطوح سه‌گانه در نسخه خطی دیوان میرمحمد مؤمن استرآبادی

شیماسادات شریف الحسینی^۱، کبری نودهی^۲، وحید رویانی^۳

چکیده

نسخه‌های خطی، میراث مکتوب تمامی کشورها هستند که با گذشته و تاریخ آن مردم و سرزمین پیوندی ناگسستنی دارند. پاسداری از این میراث فرهنگی بر همه رهروان علم و دانش در تمامی رشته‌ها، امری مهم و قابل توجه است. میرمحمد مؤمن استرآبادی، حکیم، معمار، شاعر و ادیب سده دهم و یازدهم هجری قمری، آثاری از جمله دیوان شعری از خویش به یادگار گذاشته است. این دیوان به صورت تک‌نسخه در «کتابخانه سلطنتی کاخ گلستان» به شماره ۴۵۹ نگهداری می‌شود که به دلیل شباهت رباعیاتش با رباعیات خیّام به عنوان نسخه خطی «رباعیات خیّام» ثبت شده است. دیوان میرمحمد مؤمن استرآبادی از جمله نسخ خطی گرانبمایه‌ای است که تاکنون ناشناخته مانده و تصحیح این نسخه از جهت شناخت شخصیت و جایگاه وی و آشنایی با سبک شعری و افکار و اندیشه‌هایش بسیار حائز اهمیت است. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی و تحلیل سبک شعری دیوان میرمحمد مؤمن استرآبادی اختصاص یافته که توسط نگارندگان تصحیح شده است. کلیدواژه‌ها: میرمحمد مؤمن استرآبادی، دیوان، نسخه خطی، ویژگی‌های سبکی.

^۱ دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران. shimasharifalhosseyni@gmail.com

^۲ دانشیار زبان و ادبیات فارسی، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران. (نویسنده مسئول) Kobra.Nodehi@iau.ac.ir

^۳ دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه گلستان، گرگان، ایران. vahidrooyani@yahoo.com

مقدمه

نسخه خطی کتابی دست‌نوشته است که تاریخ نگارش آن مربوط به قبل از اختراع چاپ یا هم‌زمان با اختراع چاپ است. (خسروی و دامن‌افشار، ۱۴۰۲: ۷) دو دلیل ارزشمند بودن نسخه‌های خطی، قدمت و علمی یا تحقیقی بودن آن‌ها است. شناخت نسخه‌های خطی در انتخاب، بررسی و تصحیح آن‌ها سهمی بسیار مهم دارد. اجزای نسخه‌های خطی به مادی و هنری (معنوی) تقسیم می‌شوند که کاغذ، قلم، خط و خوشنویسی جزء اجزای مادی و تذهیب، ترصیع، تجلید و مانند آن اجزای هنری به شمار می‌روند. مسئله مهم در این میان تأثیرات شگرف نسخه‌های خطی بر جهت‌گیری فکری افراد است در این راستا، قسمت اعظم فکر بشری از طریق نسخه خطی به نسل‌های آینده انتقال پیدا کرده است و سیر و سفر نسخه خطی باعث سیر افکار بشری در اقصی نقاط دنیا شده است. معرفی کتاب‌های خطی نهفته در کتابخانه‌های عمومی و خصوصی نخستین گام در خدمت به عالم علم است (لومر، ۱۴۰۱: ۳۱) از طرفی، نسخه‌های خطی، سرمایه و پشتوانه فرهنگی هر ملت است. این گنجینه‌ها نمایانگر تاریخ علم و ارزش‌های هنری در قرون مختلف است. بی‌شک یکی از راه‌های آگاهی از پیشینه تاریخ تمدن هر جامعه، احیای این گنجینه‌ها و آثار مکتوب برجای مانده از بزرگان و دانشوران گذشته است (یلمه‌ها، ۱۳۹۰: ۱۴۰)

مسئله اصلی مقاله حاضر، معرفی «دیوان مؤمن» به عنوان یکی از نسخه‌های خطی مربوط به عصر صفویه است که پژوهشگران قصد دارند دیوان مذکور را در سطوح سه‌گانه ادبی، زبانی و فکری بررسی کرده تا از یک سو بخشی از میراث مکتوب و فرهنگی کشورمان در قرن دهم و یازدهم را احیا و به محافل ادبی معرفی کرده و از سوی دیگر، ویژگی‌های زبانی، ادبی، فکری و ارزش‌های هنری این اثر را بیان کنند.

پیشینه تحقیق

کتاب محیی‌الدین قادری یکی از مفاخر ادب اردو در هند، با عنوان «میرمحمد مؤمن استرآبادی مروج تشیع در جنوب هند» تنها اثری است که به زندگی میرمحمد مؤمن پرداخته و این کتاب را عون علی جاوری به فارسی ترجمه کرده است. کتاب مذکور درباره زندگانی میرمحمد مؤمن استرآبادی و نقش او در مقطعی از تاریخ «دکن» است و تاکنون هیچ‌گونه تحقیق یا پژوهش مستقلی که به بررسی و تحلیل دیوان میرمحمد مؤمن استرآبادی پرداخته باشد، یافت نشد.

بحث و بررسی

الف) میر محمد مؤمن استرآبادی

امیرمحمد مؤمن بن علی حسینی عقیلی استرآبادی، حکیم، معمار، شاعر و ادیب سده دهم و یازدهم هجری قمری، عالم و دانشمند دوره صفوی و خواهرزاده «میرفخرالدین سماکی» است. از علمای جامع و کامل در فقه، اصول، فلسفه، کلام و به دیگر بیان جامع معقول و منقول بود. «شاه تهماسب» او را برای آموزش فرزندش «شاهزاده حیدر میرزا» انتخاب کرد؛ اما پس از درگذشت «شاه تهماسب» و کشته شدن «حیدر میرزا»، به سال ۹۸۹ هجری قمری، سید محمد مؤمن از ترس جان به هندوستان گریخت. «قطب شاهیان» در «هندوستان» از او استقبال کردند. «سلطان ابراهیم قطب شاه» در «دکن» سیدمحمد را نواخت. پس از وفات او، جانشینش، «محمدقلی قطب شاه» محمد مؤمن را مورد احترام قرار داد. برخی از شاگردان میرمحمد عبارتند از: شاهزاده سلطان حیدرمیرزا فرزند شاه تهماسب صفوی که مدت‌ها معلم وی بود و پس از مرگ او در ایران نماند و راهی هندوستان شد؛ سلطان محمدبن محمد امین قطب‌شاه جانشین، برادرزاده و داماد سلطان محمدقلی؛ میرزا محمد بن محمد امین شهرستانی اصفهانی مشهور به میرجمله؛ محمد شاه قاضی که کتاب کثیر المیامین اثر امام رضا (ع) را به دستور سلطان محمد قطب شاه با دیباچه استادش میر محمد مؤمن به فارسی برگرداند و مولانا درکی قمی، دیری قمی (یزدی)، احولی سیستانی متخلص به بسمل، اشتری یزدی: از سادات و اشراف یزد بود و... از جمله شاگردان جناب میر محمد مؤمن محسوب می‌شود. در کتاب اثرآفرینان استرآباد و جرجان در مورد وفات آمده است: «میرمحمد مؤمن سرانجام به سال ۱۰۴۳ ه. ق در «حیدرآباد» درگذشت و در دایره وقفی خودش مدفون گشت.» (مقدم، ۱۳۹۲: ۷۷۴)

ب) آثار میر محمد مؤمن

آثار میرمحمد شامل دو بخش نظم و نثر است: از وی دیوان شعر فارسی، رساله‌ای در عروض، رساله‌ای فارسی درباره اصطلاحات مربوط به مقادیر و واحدهای پیمایشی با عنوان میزان المقادیر (رساله مقداریه) و کتاب یا رساله‌ای با عنوان کثیر المیامین به عربی (نسخه‌ای از ترجمه فارسی آن که به دست شاگردش به نام شاه قاضی احمد استرآبادی انجام گرفت در کتابخانه موزه سالار جنگ موجود است. ولی به نقل از آقای حیدرضابط از محمد عبدالجبار ملک پوری در محبوب الزمن آن قصیده‌ای است از قاضی احمد که در وصف محمد قطب شاه سروده شده است) و احتمالاً اختیارات قطب شاهی (کتابی در علم طب) بجا مانده است.

آقابزرگ، رساله عروض میر مؤمن را که به عنوان عیون الشرف موسوم است، نیز معرفی کرده است (قادری، ۱۳۷۸: ۳۹-۴۰)

پ) نثر میرمحمد مؤمن

شکی نیست که در هر دو زمینه نظم و نثر، جناب میر در دنیای علم و ادب از مقام خاصی برخوردار بوده است. ولی بسیار عجیب است که با وجود اینکه سه چهارم از عمر خویش یعنی ۴۵ سال را در دکن به سر برده، ولی به زبان اردو چیزی ننوشته است. البته از رساله مقدریه می‌توان حدس زد که ایشان اردو می‌دانسته است. ولی در هیچ کتاب تاریخی یا تذکره‌ای هیچ تصنیف و یا تالیفی از ایشان و یا حتی هیچ‌گونه ارتباط ایشان با زبان اردو دیده نمی‌شود. با این حال برخی از مهم‌ترین آثار نثر وی عبارتند از: رساله مقدریه (این اثر را با استفاده از کتاب‌های پزشکی و فقه، در بیان اوزان و مقادیر شرعی نوشته است)؛ کثیر المیامین (فن سخن‌وری)؛ اختیارات قطب شاهی (در مورد قطب شاه)؛ رساله‌ای در عروض (عیون الشرف)؛ دیباچه کثیر المیامین (نسخه خطی و نسخه چاپی از این کتاب به دست نیامده است) و کتاب الرجعت (درباره رجعت به زبان عربی) (همان)

ت) نظم میرمحمد مؤمن

دیوان شعر، مجموعه اشعار میرمحمد مؤمن است. وی کلیه اشعار، غزلیات، رباعیات و قطعات خود را به دستور «محمدقلی قطب شاهی» گرد آورده است. این دیوان، شامل ۶۲۴ رباعی و ۲۴ غزل و ۷ قطعه است. محتوای غزلیات او عشق، هجران، شکایت از روزگار است. تلمیحات و اشاره به بعضی از قصه‌های قرآنی در شعر او به چشم می‌آید. تاکنون هیچ تصحیحی از دیوان وی صورت نگرفته و نسخه‌ای از آن چاپ نشده است. به دلیل شباهت بعضی از رباعیاتش با خیام در «کتابخانه سلطنتی کاخ گلستان» به عنوان «رباعیات خیام» به شماره سند ۴۵۹ ثبت شده است. بر روی صفحه نخست نسخه خطی نیز نام «رباعیات خیام» درج شده است. به طور کلی، کلام میرمحمد استرآبادی در زمان خود از مقبولیت بالایی برخوردار بوده است. شعر میرمحمد تنها ناشی از آگاهی از ضوابط یا دانستن فن شعر نبوده بلکه در جای جای آن بی‌تابی قلبی و سوز و گداز عاشقانه هویداست. اگرچه در کلام میرمحمد، مانند کلام حافظ، رندی و بی‌باکی دیده نمی‌شود ولی به علت عمق سوز و احساس شوق، خواننده را به یک فضای خاص وجدانی و روحانی می‌برد و شکی در این نیست که صاحب‌دلان از این کلام، بسیار تحت تأثیر قرار خواهند گرفت.

بررسی سطوح سه‌گانه دیوان میرمحمد مؤمن

از آنجا که ذکر تمام موارد سبکی اشعار مؤمن در این مقال کوتاه امکان‌پذیر نیست به نکاتی چند در مورد سطوح زبانی، بیانی و فکری شعر میرمحمد اشاره می‌شود.

الف) سطح زبانی

در این قسمت مواردی چون: کهن‌گرایی در حوزه واژگان و افعال، موتیف واژگان و ترکیبات اضافی دیوان میرمحمد مورد بررسی قرار گرفته است.

الف.۱) کهن‌گرایی (آرکائیسیم) زبانی

یکی از خصیصه‌های زبانی شعر میرمحمد مؤمن کهن‌گرایی (آرکائیسیم) است. در پاره‌ای از موارد او از واژگانی در شعر خود بهره می‌برد که در عصر وی کاربرد چندانی نداشته و متعلق به سده‌های گذشته است. در حوزه واژگان می‌توان به این موارد اشاره کرد: راح (شراب)، ابریق (آفتابه)، مزبله (خاکروبه)، نورد (نبرد و رزم)، خاییدن (جوییدن)، حرص (تدباده)، دوشینه (شب پیش)، مایه شتر (شتر ماده) ایاغ (پیاله شراب) آخته (برکشیده).

جسم تو زیروح و لب‌ت از راح گذشت رویت ز صفا و خط ز اصلاح گذشت

(مؤمن استرآبادی، بی تا: ۴۸)

دوشینه سرشک من شرر بود همه دامن و کنار پرگهر بود همه

(همان: ۳۱)

کی شرط مروت است و گمر فایده‌ای یک لقمه بخاییم و دلی ریش کنیم

(همان: ۱۰۱)

در حوزه افعال نیز شاهد کاربرد افعال در وجه انشایی هستیم مانند میناد، مرساد، مباد و...

از عشق تو چهره کسی زرد مباد وز مهر تو کس را نفس سرد مباد

گر دست‌زنان و پای‌کوبان نروم دستم به مراد و پا به مقصد مرساد

(همان: ۴۲)

بر دوش سبوی باده دارم پیوست در دست صراحی که میناد شکست

(همان: ۵۵)

و یا آوردن وجه مصدری در افعال: پر فن بودن، جان فشاندن، دندان به جگر نهادن و...

تا چند اسیر چرخ پر فن بودن چون خاک در این پست نشیمن بودن

(همان: ۶۶)

دل دادن و جان فشاندنم را دیدی دندان به جگر نهادنم نیز ببین
(همان: ۴۴)

همچنین استفاده از یای تمنایی و استمرار:
ای کاش عقیم می‌شدی مادر دهر تا می‌رستی ز تنگ ابنای زمان
(همان: ۷۱)

یک‌باره نقاب شب برافکندی صبح در سینه اگر داشت دلی چون دل من
(همان: ۱۹)

الف. ۲) تکرار

یکی از ویژگی‌های شعر میرمحمد مؤمن واژگانی است که تکرار می‌شوند و در شعر او حضور چشمگیر دارند. واژگانی چون: آینه، تیغ، نخل، دست، صبح، شب، زلف، صدف، شیشه، کفر، سحر، دعا، آتش، گردون، صحرا، حیات، ناله، غنچه، زاهد، ذوق، صورت، گلخن، طوفان، سجاده، گردون و... کاربرد واژگانی از این دست که البته بیشتر در حوزه عناصر طبیعت و اشیا هستند سبب شده شاعر به خلق مضمون‌ها و تصاویر تازه‌ای دست بزند. واژگانی چون: آینه، تیغ، دست، نخل و گردون عموماً در ترکیب اسمی به کار رفته‌اند نظیر آینه جان، آینه صبح، آینه ایمان / تیغ اجل، تیغ حجت، تیغ مؤگان، تیغ زبان / دست هوس، دست صراحی، دست تصرف، دست امید، دست طلب / نخل امید، نخل آرزو، نخل حسن، نخل قد، نخل هوس، نخل محبت / رخ گردون، گلشن گردون، خانه گردون، خطه گردون، شیشه گردون، قراچه‌های گردون.

ما را گلی از گلشن گردون نشکفت جز مهر که تیغ می‌زند بر سر ما
(همان: ۶۸)

بر چهره آینه ایمان زنگیم بر عارض شاهد مناهی رنگیم
(همان: ۱۱۰)

اما هستند واژگانی مانند فلک که علاوه بر ترکیب اسمی از قبیل بزم فلک، صحن فلک، خوان فلک، دل فلک و جور فلک به صورت ترکیب وصفی نیز به کار رفته‌اند مانند فلک جور مدار، فلک دنی، فلک بی‌نمک.

کوتاه بود دست امید از هوسم بسته فلک دنی ره ملت‌مسم

خواهم که ز غم دست زخم بر سر خویش ترسم که بدان هم نبود دسترس
(همان: ۷۸)

الف. ۳) ترکیبات اضافی

ترکیب‌سازی در رباعیات «میرمحمد مؤمن» دارای حجم قابل‌توجهی است. از رهگذر این ترکیبات علاوه بر اینکه تصاویر بدیع و زیبایی را ارائه داده، معانی تازه‌ای را نیز ابداع کرده است. بار تصویری در ترکیبات اضافی او به‌وفور دیده می‌شود و از بین اضافات، اضافات تشبیهی بیش‌ترین بسامد را در شعر او دارد. نمونه‌ای از این اضافات: خوان وصال، کشتی تن، نخل هوس، دوزخ حسرت، تیر نگاه، راه طلب، طبل شکم، کفر سواد، پیمان‌ده دل، صبح یقین، نخل امید، اشهب روز و... .

دل کاش به راه دوست راهی می‌داشت وز خوان وصال بهره گاهی می‌داشت
(همان: ۶)

کوه غم عشق ار نبود لنگر ما طوفان بلا ز جا کند کشتی تن
(همان: ۵)

اضافه استعاری نیز همچون اضافه تشبیهی در شعر میرمحمد مؤمن به‌وفور یافت می‌شود نمونه‌هایی چون: در عشرت، نگاه غیرت، خار حسرت، کوچه ناموس، دست تصرف، دست طلب، شاخ مراد، عنان نفس، در دل، سینه صبح، پای طلب، گردن جان، پشت امل، چشم کرم، فرق زمانه، دست هوس، شاخ امید، چشم طمع، دل سپهر، نفحات خاطر، گوش خرد، رخ دین، کله گوشه همت، سایه دیوار توکل، بوی نومیدی.

ای آنکه عنان نفس ما در کف توست رحمی که ز ما هیچ نیاید جز عجز
(همان: ۹۰)

اندر صدف آنچه ابر نیسان ریزد در گوش خرد طبع سخن سازم ریخت
(همان: ۶۶)

ب) سطح ادبی

استفاده از صنایع بدیعی به‌ویژه صنایع معنوی، یکی از ویژگی‌های مهم شعر است. در این دوره شاعران از انواع فنون ادبی مانند تشبیه، مجاز و استعاره، حداکثر استفاده را نموده و در این مبالغه می‌کردند. هرچه به پایان دوره صفویه نزدیک‌تر می‌شویم، این مبالغه بیش‌تر می‌شود.

صنایعی که «میرمحمد» در اشعار خویش به کار برده است عبارتند از انواع تشبیه، انواع استعاره به‌ویژه استعاره مکنیه، اسلوب معادله، مثل، حس‌آمیزی، ابهام، کنایه و...

ب. ۱) تشبیه

وجه غالب تشبیهات میرمحمد مؤمن، مادی و حسی است و به دلیل توجه بسیار میرمحمد به تشبیهات حسی و مادی، تصاویر انتزاعی و ذهنی در شعر او کمتر دیده می‌شود. از رهگذر همین ویژگی، کمتر ابهام و پیچیدگی در صورخیال و تصاویر شعری او وجود دارد؛ به عبارت دیگر وضوح و سادگی جزء لاینفک تصاویر ارائه شده در شعر اوست. نمونه‌های بسیاری از این تصاویر و تشبیهات را می‌توان در شعر میرمحمد ملاحظه کرد:

دریا که از اوست زهره شیران، آب وز موج شکسته پشت پیلان سحاب
 گه در قعرش فتاده گردون چو گه بر رویش نموده مانند حباب

(همان: ۱۴۷)

نمونه‌ای از تشبیهات مرکب در رباعیات میرمحمد:

آن‌کس که حریف باده ناب افتد هر جا بیند شراب بی‌تاب افتد
 افتاد به می‌کاغذی و گشت خراب چون کاغذ کهنه‌ای که در آب افتد

(همان: ۳۷)

ب. ۲) استعاره

استعاره نوعی تشبیه است که در آن یکی از طرفین تشبیه (مشبه یا مشبه‌به) را ذکر و طرف دیگر را اراده کرده باشند. استعاره در دیوان میرمحمد فراوان است. بیشترین استعاره‌هایی که به کار برده، از نوع استعاره مکنیه است اما استعاره‌های کلیشه‌ای هم در شعر وی نمونه‌های متعددی دارد مثلاً استعاره‌هایی که در وصف معشوق به کار گرفته، جزو استعاره‌هایی است که در اشعار شاعران پیشین نیز یافت می‌شود. مثل ماه، سنبل، لعل و... که استعاره از چهره و زلف و لب معشوق‌اند و استعاره‌هایی کلیشه‌ای. سنبل، استعاره مصرحه از زلف یار

خاری است نصیب ما ز باغ گل تو بی برگ و نوا چرا بود بلبل تو
 در باغ رخت ریخته گل بر سر هم دامی است به راه دل ما سنبل تو

(همان: ۵۳)

ب. ۳) حس‌آمیزی

حس‌آمیزی که در آمیختن دو یا چند حس با یکدیگر است و از عناصر عمده شعر سبک هندی به شمار می‌آید در شعر میر محمد مؤمن چندان نمونه ندارد و اندک است. حس‌آمیزی در شعر او معمولاً از ترکیب دو حس از نوع محسوسات دیداری و چشایی یا محسوسات شنیداری و بویایی است مانند گریه تلخ و شنیدن بو و گریه مستانه.

بازا باز که چشمم از گریه تلخ پر کرد قرابه‌های گردون از می

(همان: ۲۴)

تا مجمره بزم فلک شد خورشید جز بوی دل سوخته نشنید کسی

(همان: ۶۵)

ب. ۴) اسلوب معادله

یکی از ویژگی‌های شعر سبک هندی اسلوب معادله است که در شعر میر محمد مؤمن به‌ویژه در رباعیاتش نمونه‌های فراوان دارد. در اسلوب معادله دو مصراع از لحاظ نحوی کاملاً مستقل هستند و هیچ حرف ربط یا شرط یا چیز دیگری آن‌ها را به هم مرتبط نمی‌کند (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۹، ۶۳) از این رو با تمثیل تفاوت دارد اگرچه برخی آن را با تمثیل یکی دانسته‌اند. مؤمن استرآبادی حالات و عوامل انسانی را که عمدتاً مفاهیم ذهنی و انتزاعی هستند هنرمندانه و محسوس در قالب اسلوب معادله بیان می‌کند:

رفته ست طراوت از گل رخسارش آری گل کاغذی ندارد آبی

(مؤمن استرآبادی، بی‌تا: ۳۷)

کی از شکم تهی برآید آروغ بی‌مایه، لب، چه‌سان گشاید به سخن

(همان: ۷۵)

ب. ۵) ماده تاریخ

ماده تاریخ یکی از تفننات شعری است که شاعران در مورد یک واقعه تاریخی از قبیل درگذشت یا قتل شاه یا یکی از ارکان مهم حکومتی یا تاریخ ساخت یک بنا و... می‌سرودند. میر محمد مؤمن نیز در این زمینه دو ماده تاریخ دارد. در این ماده تاریخ‌ها واقعه درگذشت شاه نورالدهر در قالب قطعه بیان شده است:

ز فوت شاه نورالدهر گردون جهان را نیل ماتم بر جبین زد

گل شادی نروید از گل ما به زیر خاک تا خفت آن سهی قد

سپرمی‌شد دل و جان جهانی اگر تیر قضا می‌داشتی رد
چو رفست از دهر آن نور هدایت خرد را گفتم ای پیر مؤید
که تاریخش چه و محشور با کیست مکرر گفت نورالدهر با جد
(همان: ۸۶)

ب. ۶) ایهام

ایهام از دیگر خصیصه‌های شعر میرمحمد مؤمن است البته با توجه به نمونه‌های اندک آن می‌توان گفت که شاعر توجه و عنایت چندانی به این آرایه نداشته است. نمونه‌هایی از ایهام در اشعار میرمحمد که در آن مدام ایهام دارد به شراب و مداوم:

تا کی بر فسق پرورد عمر کسی جزو زر و وبال نشمرد عمر کسی
از شرب مدام خود ملال است مرا تا چند به تلخی گذرد عمر کسی
(همان: ۹۱)

ب. ۷) مراعات نظیر

«تاسب» یا «مراعات نظیر» در دیوان «میرمحمد مؤمن» نمونه‌های فراوانی دارد اما این آرایه در بیشتر موارد، فاقد کارکرد بلاغی و موسیقایی است. گویی شاعر قصد داشته با مراعات نظیرهای متصنعانه توجه مخاطب را جلب کند. در واقع صرف حضور این عناصر را می‌بینیم بدون اینکه تأثیرات زبانی در مخاطب ایجاد کند و عاطفه و احساس را به نحو مؤثری انتقال دهد. نمونه‌هایی از آن: گل، باغ، لاله، قمری، هزار، چمن، سبزه، گل
گل پرده فکند بار دیگر ز عذار شد باغ پر از لاله و قمری و هزار
از خاک چمن سبزه و گل سر برکرد انفاس مسیح است مگر باد بهار
(همان: ۵۱)

ب. ۸) کنایه

یکی دیگر از خصیصه‌های شعر سبک هندی کاربرد فراوان کنایه است. میرمحمد مؤمن نیز به مقوله کنایه توجه داشته با این توضیح که همچون دیگر شاعران سبک هندی بیشتر کنایات را از زبان عوام وام گرفته است از این رو کنایات وی دارای فضای ساده و قابل‌درک‌اند و بسامد آن نیز قابل توجه است. کنایه از لحاظ مکنی‌عنه (معنای مقصود) سه گونه است کنایه از موصوف و صفت و فعل (شمیسا، ۱۳۷۱: ۲۳۶) که از این میان، بیشترین کنایات میرمحمد از نوع فعلی

است که البته در این زمینه ابتکار و نوآوری چندانی در آن دیده نمی‌شود و کنایاتی است که پیش از او در اشعار شاعران دیگر نیز آمده است. نمونه‌هایی از کنایات در شعر وی: سرخ‌روی کنایه از شرمساری، کنایه صفت.

از شعر تو یافت سرخ‌روی کاغذ زانسان که ز خون حیض یابد لته

(مؤمن استرآبادی، بی‌تا: ۷۶)

کنایه از فعل: به ریش کسی خندیدن کنایه از تمسخر

ظاهر بود از خنده هر صبح که چرخ هرروز به ریش دگری می‌خندد

(همان: ۱۱۸)

کنایه از فعل: سرد بودن کنایه از کساد بودن

تا چند به مشتری نمایی رخ گرم بازار تو سردست از این گرمی‌ها

(همان: ۳۶)

ب. ۹. مثل

یکی از شاخصه‌های سبک شعری میرمحمد مؤمن کاربرد ضرب‌المثل است. در واقع شاعر با استفاده از جملات کوتاه و نغزی که به عنوان مثل یا ضرب‌المثل در افواه عوام جا افتاده و در محاورات از آن‌ها استفاده می‌شده، بهره برده و شعر خود را بدان آراسته است. چند نمونه از ضرب‌المثل‌های به کار رفته در شعر میرمحمد: کند هم جنس با هم جنس پرواز

ناجنس به سعی، کی شود محرم راز ناچار بود به سوی جنسش پرواز

(همان: ۳۶)

ب. ۱۰. حسن تعلیل

برجستگی و زیبایی حسن تعلیل در بیان هنری و علت ادعایی است که نمونه‌هایی از آن را در شعر میرمحمد مؤمن می‌توان یافت. چند نمونه از حسن تعلیل‌های میرمحمد مؤمن در رباعیات:

از پرتو تحریر سخن‌های شماست این روسیهی که کلک کاتب دارد

(همان: ۷۸)

از سرخی باده می‌توان دانستن کو نیز خجل بود ز بدمستی ما

(همان: ۵۷)

ب. ۱۱) تشخیص

گر چه تشخیص در تمام ادوار شعر فارسی نمونه دارد اما به جهت بسامد افزون‌تر و وجه تجریدی‌تر آن در عصر صفوی از ویژگی‌های عمومی سبک هندی به حساب می‌آید. (حسن پورآلآشتی، ۱۳۸۴، ۸۰) شعر میرمحمد مؤمن نیز از این خصیصه برخوردار است. بیشتر تشخیص‌های او به دور از پیچیدگی و ابهام بوده و واضح و روشن هستند و اغلب، صفات انسانی به عناصر انتزاعی نسبت داده شده‌اند. نمونه‌هایی از تشخیص در شعر میرمحمد مؤمن عبارت‌اند از: مستی و غرور می، شرمند شدن فلک، ننگ داشتن کفر، مزدور بودن بخت و...

می با همه مستی و غروریش که بی نام تو از شیشه نیاید بیرون

(مؤمن استرآبادی، بی‌تا: ۸۴)

از نقش بقا تهی است دیبای مراد در کارگهی که بخت ما مزدور

(همان: ۶۷)

پ) سطح فکری

پ. ۱) فرهنگ عامه

فرهنگ عامه و بخشی از تجربیات زندگی در عصر صفویه در شعر میرمحمد مؤمن حضور چشمگیر دارد. شاعر با استفاده از عناصر فرهنگ عامه و اشاره بدان از قبیل بیماری‌ها و شیوه‌های درمان، مواد اعتیادآور مرسوم و رایج عصر، باورها و خرافات و... به خلق مضامین پرداخته است. به طور مثال استفاده از مواد اعتیادآور در دوره صفویه امری معمول و متداول بوده است و بازتاب آن را شعر میرمحمد مؤمن می‌توان دید. او به برخی مخدرها نظیر افیون، بنگ و تریاک اشاراتی داشته است:

عشق خوبان سازگار افتد به دل زهر اگر در مشربی افیون شود

(همان: ۱۶۱)

زینسان که تو مست را برانداخته‌ای بیم است که بنگ مست پیدا نشود

(همان: ۱۴۹)

در پاره‌ای از موارد نیز به بیماری‌ها نظیر سبل که نوعی بیماری چشم است که موجب متورم شدن رگ‌های خونی چشم و تاری دید می‌شود یا قبض و یبوست اشاره کرده:

گیرم سبل از دیده ظاهر بیرم فریاد زد دل که بدنهاد افتادست

(همان: ۱۶۱)

وز دیده که نور خود به ظلمت دادست با دل چه کنم که کور مادرزادست

(همان: ۱۰۷)

پ.۲) کاربرد الفاظ کوچه و بازاری

یکی دیگر از ویژگی‌های سبک هندی، بهره بردن از واژه‌ها، اصطلاحات و کنایات زبان محاوره و عامیانه است که در زندگی روزمره و کوچه و بازار به کار می‌رود. البته این، نتیجه راه‌یابی شعر به بازار، قهوه‌خانه و دیگر اصناف اجتماعی بود که در بیشتر موارد هم به شعر طراوت و تازگی خاص هم می‌بخشید (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۹: ۱۶۳) این ویژگی در شعر میرمحمد دیده می‌شود. نمونه کنایات عامیانه: گرد بر دامن ننشستن / علم افراختن / بار از دوش افکندن و...

پ.۳) محتوا و موضوعات کهنه

موضوعاتی همچون زدودن غم با می‌نوشی، اوصاف معشوق، اعتقاد به تأثیر کواکب و ستارگان، مرکزیت زمین، بخشش و رحمت الهی و... از دیرباز دستمایه شاعران برای سرودن بوده که جزو موضوعات کلیشه‌ای و تکراری است و در اشعار میرمحمد مؤمن هم نمونه‌های فراوانی از این دست وجود دارد. در این قسمت چند نمونه آورده می‌شود:

از دانه اشک خود نخوردیم بری این گریه ما نداد هرگز ثمری
گویند ستاره را اثرهاست چرا این کوکب اشک ما ندارد اثری

(همان: ۱۴)

باغی است جهان که حاصلش در دسر است گل‌هاش تمام پاره‌های جگر است
از نوش حیات هر که لب شیرین کرد دانست که زهر مرگ شهد و شکر است

(همان: ۳۱)

پ.۴) شکوه از دنیا و بی‌اعتباری آن

میرمحمد مؤمن بارها در اشعارش از دنیا، بی‌اعتباری و بی‌وفایی آن گله و شکوه کرده است. تعابیری که درباره دنیا به کار می‌برد نیز درخور توجه است؛ قصر ندامت منظر، منزل عاریتی، دار غرور و...

در مدرسه بهر علم خالی ز عمل افراخته‌ام صد علم جنگ و جدل

بر کنگره قصر ندامت منظر انداخته‌ام کمندی از طول امل
(همان: ۳۷)

در نظر او دنیا پست نشیمنی است که دل‌بستگی را نشاید و چون آدمی موقتاً در آن رحل اقامت
افکنده بهتر است که از همان آغاز به پایان راه بیندیشد و بار سفر را بریندد:

باغی است جهان که حاصلش در دسر است گل‌هاش تمام پاره‌های جگر است
از نوش حیات هر که لب شیرین کرد دانست که زهر مرگ شهید و شکر است
(همان: ۳۱)

البته چشم‌پوشی از مظاهر فریبده آن کار ساده‌ای نیست و همت والایی می‌طلبد. آری تنها
فرومایگان گرفتار فریب و عشوه آن می‌شوند و همچون حیوانات در لذات مادی و حسی آن
محصورند:

زین توده خاک چون مسیحا بگذر وز خواب و خور و سبزه صحرا بگذر
خر نیستی از آب و علف دست بدار سگ نیستی از جیفه دنیا بگذر
(همان: ۷۵)

پ. ۵) انتقاد از زاهدان ریایی

انتقاد از زاهدان و صوفیان ریایی یکی از موضوعاتی است که میرمحمد مؤمن در رباعیاتش
بدان پرداخته. در این‌گونه اشعار، نمادهایی چون: مسجد، سبجه (تسبیح)، نماز، سجاده و...
در تقابل نمادهایی چون می، قده، سبو و میخانه و... قرار می‌گیرند. این ابیات هیچ نوآوری و
تازگی ندارند و تکرار همان مطالبی است که در اشعار حافظ و امثال او دیده می‌شود.
نمونه‌هایی از این رباعیات:

بر دوش سبوی باده دارم پیوست در دست صراحی که میناد شکست
حاجت نبود مرا که چون زاهد شهر سجاده به دوش کردم و سبجه به دست
(همان: ۴۹)

البته تبع و فرجام بد ریا و تظاهر را یادآور شده و وعده دوزخ را برای چنین افرادی محقق و
قطع می‌داند:

زاهد نخوری می که عقاب است آنجا جز زهد نورزی که ثواب است آنجا
بهر تو ریا دوزخی افروخته است بشتاب که زهد خشک باد است آنجا

(همان: ۸۷)

گاه شاعر در پرتو نقدهای نیشدار و حمله به متظاهران و ریاکاران تصاویر زیبا و بدیع خلق می‌کند که درخور توجه است؛ نظیر این رباعی که به‌گونه‌ای طنزآمیز می‌گوید فقط در برابر پیاله شراب سر تعظیم فرود آورده:

چون زاهد اگر نام نکو ناوردم رو بر در هر سفله چو او ناوردم
صد شکر که مانند صراحی هرگز جز پیش پیاله سر فرو ناوردم
(همان: ۳۷)

پ.۶) توصیه به قناعت و مناعت طبع

میرمحمد مؤمن چه در زمان اقامتش در ایران و چه پس از مهاجرت به هند در شمار رجال مهم دربار بود و شاه تهماسب و محمدقلی قطب شاه احترام بسیاری برای او قائل بودند. وی با وجود رفت و آمد بسیار به محیط دربار و معاشرت و حشر و نشر با اشراف و بزرگ‌زادگان هیچ‌گاه زهد و ساده زیستی خود را رها نکرد چنانکه در اشعار خود بدان اذعان داشته:

ز آرایش حرص، مشرب ما صافی است وز خوان قناعت گله نا انصافی است
ایوان سپهر و اطلس چرخ مخواه ویرانه‌ای و کهنه پلاسی کافی است
(همان: ۹۹)

نتیجه‌گیری

در این پژوهش به تصحیح تک‌نسخه موجود در کتابخانه سلطنتی کاخ گلستان به شماره سند ۴۵۹ از دیوان اشعار میرمحمد مؤمن استرآبادی پرداختیم، نسخه‌ای که به دلیل آنکه با رباعی آغاز شده و اوزان آن با رباعیات خیام تا حد زیادی مشترک است از این رو اشعار این شاعر به اشتباه به نام رباعیات خیام ثبت شده بود. دیوان مؤمن تنها نسخه موجود در ایران است. در بررسی محتوایی و زبانی اشعار میرمحمد این نتیجه به دست آمد که اشعار میرمحمد از لحاظ زبانی، ادبی و فکری دارای ویژگی‌های سبک هندی است و می‌توان گفت تصاویر، خیال و زبانش، اشتراک بسیاری با شاعران شاخص سبک هندی دارد. این ویژگی‌های شعری عبارت‌اند از کاربرد ایهام، استعاره و تشبیه، حس‌آمیزی، تشخیص، کنایات، اسلوب معادله و در بخش فکری هم باید به موضوعات و مضامین کهنه و کلیشه‌ای، کاربرد الفاظ و اصطلاحات عامیانه و فرهنگ عامه و مواردی از این دست اشاره کرد.

منابع

- حسن‌پور آلاشتی، حسین (۱۳۸۴) طرز تازه، تهران: سخن
- خسروی، ابوذو و دامن‌افشار، نجمه، (۱۴۰۲) نسخه‌های خطی مشاهیر جرجان (گرگان تاریخی) در کتابخانه‌های عراق و ترکیه. گرگان: میرداماد.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۹۹) شاعر آینه‌ها. چاپ پنجم، تهران: آگاه.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۷۱) بیان. چاپ هفتم. تهران: فردوس.
- قادری، سید محی‌الدین. (۱۳۷۸) میرمحمد مؤمن استرآبادی مروج تشیع در جنوب هند. ترجمه عون - علی جاروی، قم: مورخ.
- لومر، ژاک. (۱۴۰۱) توصیف و تحلیل نسخه‌های خطی کهن. ترجمه زهیر طیب، تهران: تراث اسلامی.
- میرمحمد مؤمن، حسینی استرآبادی. (بی‌تا) دیوان میرمحمد مؤمن. بی‌جا.
- مقدم، محمدباقر. (۱۳۹۲) اثرآفرینان «استرآباد» و «جرجان». (استان گلستان) گرگان: میرداماد.
- یلمه‌ها، احمدرضا. (۱۳۹۰) «بررسی و تحلیل نوعی از تصرفات کاتبان در نسخه‌های خطی». پژوهش‌نامه ادبیات تعلیمی، ۳(۹)، ۱۳۹-۱۶۱.